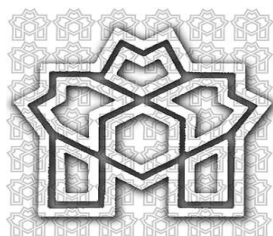




بسمه تعالی



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

پایان‌نامه کارشناسی ارشد:

تأثیر متغیرهای نهادی و کلان
اقتصادی بر ساختار صنعت بانکداری

استاد راهنما

دکتر عبدالرسول قاسمی

استاد مشاور

دکتر سهیلا پروین

نگارنده

فاطمه عبدالشاه

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به

پدر و مادرم که حضور همیشگی
و گرمشان، همواره بزرگترین امید
زندگیم بوده است.

با ژرفترین سپاس ها :

- از لطف بی پایان الهی که به من توفیق گام نهادن در مسیر علم و دانش را عطا فرمود.
- از استاد ارجمند جناب آقای دکتر عبدالرسول قاسمی که در سایه راهنمایی های ارزشمند ایشان موفق به اتمام این رساله شدم.
- از خانم دکتر سهیلا پروین که با کمک های بی دریغ و دقت و حوصله فراوان مرا در نگارش این پایان نامه یاری نمودند.
- از جناب آقای دکتر عباس شاکری که زحمت داوری و نظارت نهایی این پایان نامه بر عهده ایشان بود.
- از همه اساتید محترم و دست‌اندرکاران علمی کشورم که پیشرفت و تعالی کشورمان مدیون تفکرات علمی و فکری آنها می‌باشد.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
فصل اول: کلیات و طرح تحقیق.....	۱.....
۱-۱- مقدمه.....	۲.....
تعریف مسئله و بیان.....	۲.....
۲-۱- فرضیه و سؤال تحقیق.....	۴.....
۳-۱- اهداف تحقیق.....	۵.....
۴-۱- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....	۵.....
۵-۱- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها.....	۵.....
۶-۱- نمونه آماری.....	۵.....
۷-۱- محدودیت‌های تحقیق.....	۵.....
۸-۱- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح.....	۶.....
فصل دوم: مروری بر ادبیات نظری.....	۸.....
۱-۲- مقدمه.....	۹.....
۲-۲- رقابت.....	۹.....
۱-۲-۲- مکتب کلاسیک‌ها.....	۱۰.....
۲-۲-۲- مکتب نئوکلاسیک‌ها.....	۱۰.....
۳-۲-۲- فرایند رقابتی تخریب خلاق.....	۱۱.....
۴-۲-۲- نظریه‌های متأخر.....	۱۲.....
۳-۲- سنجش رقابت.....	۱۴.....

۱۶	۴-۲- معیارهای سنجش رقابت.....
۲۶	۵-۲- دلایل بروز انحصار.....
۲۶	۱-۵-۲- مکتب ساختارگرایی.....
۲۷	۲-۵-۲- مکتب شیکاگو.....
۲۸	۶-۲- عوامل مؤثر بر ساختار بازار.....
۲۸	۱-۶-۲- عوامل نهادی.....
۴۲	۲-۶-۲- کارایی.....
۵۵	فصل سوم: مروری بر مطالعات انجام شده.....
۵۶	۱-۳- مقدمه.....
۵۶	۲-۳- مروری بر مطالعات خارجی.....
۵۶	۱-۲-۳- رابطه رقابت و کارایی.....
۶۰	۲-۲-۳- اثر متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی رقابت.....
۶۸	۳-۲-۳- اثر متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی کارایی.....
۷۲	۳-۳- مروری بر مطالعات داخلی.....
۷۵	۴-۳- نتیجه گیری.....
۷۸	فصل چهارم: روش تحقیق، برآورد مدل و نتایج.....
۷۹	۱-۴- مقدمه.....
۸۰	۲-۴- مقایسه شاخص‌ها.....

۸۸	۳-۴- تصریح مدل
۹۰	۴-۴- توصیف آماری داده‌ها
۹۱	۵-۴- روش‌شناسی تحقیق
۹۴	۶-۴- بررسی درون زایی دو متغیر کارایی و تمرکز
۹۷	۷-۴- روش برآورد مدل
۹۸	۴-۷-۱- انواع مدل‌های به کار رفته در داده‌های ترکیبی
۱۰۱	۴-۷-۲- آزمون‌های تشخیصی
۱۰۳	۴-۸-۱- برآورد معادلات و نتایج
۱۰۳	۴-۸-۱- برآورد معادله نسبت تمرکز و نتایج آن
۱۰۸	۴-۸-۲- برآورد معادله شاخص هرفیندل - هیرشمن و نتایج
۱۱۱	۴-۸-۳- برآورد معادله کارایی
۱۱۶	فصل پنجم: جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها
۱۱۷	۵-۱- مقدمه
۱۱۸	۵-۲- جمع‌بندی و تحلیل نتایج
۱۲۶	۵-۳- بررسی سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق
۱۲۶	۵-۴- پیشنهاد‌های تحقیق
۱۲۹	فهرست منابع
۱۳۷	پیوست‌ها

فهرست جدول ها

عنوان.....	صفحه.....
جدول (۱-۲): اندازه‌گیری تمرکز صنایع کارخانه‌ای توسط بین.....	۱۷.....
جدول (۲-۲) : نحوه برخورد با ادغام با توجه به شاخص تمرکز.....	۱۸.....
جدول (۳-۲): معیارهای مطلق اندازه‌گیری تمرکز و ویژگی‌ها.....	۲۲.....
جدول (۱-۳): رابطه رقابت و کارایی.....	۷۵.....
جدول (۲-۳): اثر عوامل نهادی بر ساختار صنعت بانکداری.....	۷۶.....
جدول (۱-۴): شاخص کلی حکمرانی بانک جهانی در کشورهای حوزه چشم‌انداز ایران.....	۸۱.....
جدول (۲-۴): شاخص کلی حکمرانی بانک جهانی در کشور ایران.....	۸۱.....
جدول (۳-۴): شاخص آزادی اقتصادی هریتیج ^۱ کشورهای حوزه چشم‌انداز ایران.....	۸۳.....
جدول (۴-۴): شاخص آزادی اقتصادی هریتیج کشور ایران.....	۸۳.....
جدول (۵-۴): GDP سرانه بانک جهانی در کشورهای حوزه چشم‌انداز.....	۸۴.....
جدول (۶-۴): GDP سرانه بانک جهانی در کشور ایران.....	۸۵.....
جدول (۷-۴): شاخص نرخ تورم بانک جهانی در کشورهای حوزه چشم‌انداز.....	۸۶.....
جدول (۸-۴): شاخص نرخ تورم بانک جهانی در کشور ایران.....	۸۶.....
جدول (۹-۴): نرخ رشد GDP بانک جهانی در کشورهای حوزه چشم‌انداز ایران.....	۸۷.....
جدول (۱۰-۴): نرخ رشد GDP بانک جهانی در کشور ایران.....	۸۸.....

- جدول (۴-۱۱): متغیرهای مورد بررسی در تحقیق و منبع اطلاعاتی آنها..... ۹۰
- جدول (۴-۱۲): آزمون درون‌زایی دو متغیر کارایی و نسبت تمرکز..... ۹۶
- جدول (۴-۱۳): اثر متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی نسبت تمرکز..... ۱۰۴
- جدول (۴-۱۴): اثر متغیرهای استاندارد شده بر نسبت تمرکز..... ۱۰۷
- جدول (۴-۱۵): اثر متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی HHI ۱۰۸
- جدول (۴-۱۶): اثر متغیرهای استاندارد شده بر شاخص HHI ۱۱۰
- جدول (۴-۱۷): اثر متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی کارایی..... ۱۱۲
- جدول (۴-۱۸): اثر متغیرهای استاندارد شده بر کارایی صنعت بانکداری ۱۱۴

فهرست نمودارها

عنوان.....	صفحه.....
نمودار (۱-۲): منحنی لورنز.....	۲۴.....
نمودار (۲-۲): کارایی فنی و تخصیصی.....	۴۵.....
نمودار (۳-۲) تابع تولید یکسان محدب خطی قطعه‌ای ناپارامتریک.....	۴۶.....
نمودار (۴-۲): تخمین کارایی فنی با استفاده از تابع تولید و هزینه و بازده به مقیاس.....	۴۷.....
نمودار (۵-۲): کارایی فنی و تخصیصی با استفاده از تابع تولید.....	۴۷.....
نمودار (۶-۲): تابع تولید یکسان کارا و بنگاه‌های ناکارا.....	۴۹.....
نمودار (۱-۴): مراحل تعیین نوع مدل داده‌های ترکیبی.....	۱۰۱.....

چکیده

کارکرد اصلی بازارهای مالی در اقتصاد، فراهم نمودن روشی برای هدایت و تخصیص سرمایه ها از سوی پس اندازکنندگان به سوی سرمایه گذاران می باشد. از آنجایی که در کشورهای در حال توسعه بانکها نقش مهمی را در بازارهای مالی بازی می کنند، می توان با یافتن برخی از متغیرهای مؤثر بر ساختار این بازار روند هموارتر و کاراتری برای تخصیص سرمایه ها ایجاد نمود.

در این مقاله به بررسی اهمیت و تاثیر متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی ساختار صنعت بانکداری برای یک نمونه ۱۵ تایی از کشورهای حوزه چشم انداز ایران و ایران در سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) و اثرات ثابت داده های تلفیقی (پانل) پرداخته شده است.

به منظور بررسی عملکرد نهادها بر مبنای ادبیات موضوع شاخص های مناسبی انتخاب شده و مورد استفاده قرار گرفته اند. این شاخص ها عبارتند از شاخص آزادی اقتصادی، شاخص حکمرانی، لگاریتم GDP سرانه، شاخص آزادی مالی و شاخص حمایت از حقوق مالکیت.

نتایج نشان می دهد که لگاریتم GDP سرانه به عنوان یک پراکسی برای توسعه نهادها مهم ترین متغیر در توضیح دادن قدرت بازاری است و دارای اثر منفی و معنی داری است. متغیرهای نهادی دیگر مانند شاخص آزادی اقتصادی، شاخص حکمرانی و شاخص آزادی مالی بعد از متغیرهای مشخصه بانکها (نسبت تسهیلات اعطایی به دارایی ها و لگاریتم کل دارایی ها) مهم هستند. نرخ تورم به عنوان یک متغیر کلان اقتصادی اگرچه اثر معنی داری روی ساختار صنعت بانکداری دارد اما این تاثیر اندک است و تاثیر نرخ رشد GDP روی ساختار از نظر آماری معنی داری نیست.

واژه های کلیدی: کشورهای حوزه چشم انداز، ساختار صنعت بانکداری، متغیرهای نهادی، متغیرهای کلان اقتصادی

فصل اول

کلیات و طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه

بانکداری یکی از با اهمیت‌ترین فعالیت‌های اقتصاد به شمار می‌آید. بانک‌ها با سازماندهی و هدایت دریافت‌ها و پرداخت‌ها، می‌توانند مبادلات را تسهیل و موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصاد شوند. همچنین، با تجهیز پس‌اندازها و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، منابع رشد اقتصادی را تجهیز می‌کنند.

بانک‌ها به عنوان فعالان اصلی بازار پولی، در راستای تصمیمات اقتصادی بانک مرکزی، با قبض و بسط اعتبارات بانکی و هدایت وجوه از بخشی به بخش دیگر، بر عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارند، از این رو رقابتی بودن این صنعت از اهمیت بسزایی برخوردار است.

برای تنظیم و تدوین برنامه توسعه رقابت و یا برای مقابله قانونی با رفتارهای غیر رقابتی و انحصارگرانه تعریف دقیق از قدرت بازاری و علل بروز آن ضروری است، زیرا قدرت بازاری با توجه به ریشه آن می‌تواند موجب کاهش تولید، افزایش قیمت و نابرابری در توزیع درآمد و تأخیر در پیشرفت شود که این منشأ ایجاد قدرت بازاری ممکن است در داخل بازار یا خارج از آن باشد. قدرت بازاری ممکن است از طریق رفتارها و اقدامات مختلف مثل ابداع و اختراع، تحقیق و توسعه، حمایت‌های قانونی و رفتارهای غیرقانونی و یا کنترل منابع و نهاده‌ها بدست آید.

در این فصل سؤالات و فرضیاتی در رابطه با عوامل اثرگذار بر رقابت در صنعت بانکداری مطرح شده و در طول تحقیق به دنبال پاسخ دادن به این سؤالات خواهیم بود.

۱-۲- تعریف مسئله و بیان موضوع:

بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین عنصر بازار پولی نقش بسیار مهمی را در اقتصاد هر کشور ایفا می‌کنند، به طوری که رشد و توسعه اقتصادی بدون توجه به یک نظام کارای بانکداری امری ناممکن تلقی می‌شود. با گسترش بازارهای مالی، فعالیت بانک‌های تجاری و تخصصی پیوسته ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. بخش بانکی در اقتصاد ایران به عنوان مهم‌ترین مجرای ارتباطی میان بخش پولی و حقیقی به حدی مهم است که هرگونه نقصان در ساختار این بخش زمینه‌های بروز اختلال در سایر بخش‌ها را نیز فراهم می‌کند. بانک‌ها در اقتصاد ایران علاوه بر واسطه‌جویی در بازار پول به دلیل عدم توسعه کافی بازار سرمایه نقش اساسی را در تأمین مالی بنگاه‌های کشور ایفا می‌کنند. با توجه به نقش بانک‌ها در بازارهای مالی و در نتیجه اقتصاد هر کشور و با توجه به بازتاب سریع

سیاستهای این بخش در کل اقتصاد، رقابت در این صنعت برای رشد و توسعه اقتصاد از اهمیت خاصی برخوردار است.

رقابت بیشتر در صنعت بانکداری و حضور بخش خصوصی در این عرصه، مدیران بانکها را به انتخاب مقیاس مناسبی برای ارائه خدمات بانکی وادار می کند، به طوری که آنها همواره به ارزیابی عملکرد سیستم بانکی خود پرداخته و راهکارهای لازم را برای ارتقای آن اتخاذ می نمایند. انتظار می رود رقابت از طریق کاهش قیمت‌های خدمات مالی و سرعت بخشیدن به سرمایه گذاری و رشد، رفاه را بهبود ببخشد. با توجه به اهمیت رقابت در صنعت بانکداری اقدام به تعیین عوامل مؤثر بر این متغیر، اساسی ترین و ابتدایی ترین گام برای بهبود رقابت در این صنعت می باشد، بدین معنی که دقیقاً مشخص می شود روی چه عواملی باید متمرکز شد.

در کشور های توسعه یافته مانند آمریکا و کشورهای اروپایی در مطالعات متعددی، سعی در تعیین عوامل اثرگذار بر ساختار و کارایی در صنعت بانکداری شده است. در این تحقیقات بیشتر به بررسی اثر متغیرهای اقتصاد سیاسی، کلان اقتصادی و مشخصه های بانک پرداخته اند. در ایران در رابطه با تأثیر متغیرهای اقتصاد سیاسی و کلان اقتصادی، پژوهشی صورت نگرفته است.

ساختار اقتصاد ایران حاکی از وجود انحصار در برخی از بازارها می باشد از این رو به منظور افزایش کارایی و رفاه اقتصادی در برنامه سوم به طور ضمنی و در برنامه چهارم به روشنی و در بند ج سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت موظف به افزایش رقابت، حذف و تنظیم انحصارات و تدوین لایحه ای برای تسهیل رقابت شده است. که این امر شناخت ساختار در بازارهای مختلف از جمله صنعت بانکداری را طلب می کند.

نگاه اجمالی به بازارهای مالی در اقتصاد ایران نشان می دهد که نظام بانکی بر بازار مالی کشور مسلط می باشد و در عین حال از ساختار مناسب برخوردار نیست. دولت از طریق ملی کردن، تحت تملک قرار دادن بانکها و ادغام بانکها پس از پیروزی انقلاب، انحصار را در بازارهای مالی ایجاد کرده به طوری که صنعت بانکداری در انحصار کامل دولت قرار داشته است. اما با اجرای برنامه سوم توسعه (خصوصی سازی) ساختار بازار مالی دچار تغییراتی شده است. یکی از مهم ترین اصلاحاتی که بانک مرکزی پس از انقلاب اسلامی در سیستم بانکی انجام داده است، اجازه فعالیت بانکهای خصوصی در سیستم بانکی ایران از سال ۱۳۷۹ با هدف افزایش رقابت و بهبود خدمات بانکی بوده است. با اجرای این سیاستها اگرچه بر حسب شاخص هرفیندال-هیرشمن براساس میزان تسهیلات اعطایی از برنامه سوم به بعد شاهد کاهش تمرکز در این بازار هستیم ولی این شاخص با مقدار ۱۳۸۹ هم چنان بیانگر تمرکز در این صنعت می باشد (قندی نژاد، ۱۳۸۶). این موضوع بیانگر این است که صرف ایجاد

زمینه های دسترسی برای ورود بخش خصوصی بدون برخورداری از شناخت کافی نسبت به ساختار این صنعت و عوامل تأثیر گذار بر آن به معنای برخورداری از ساختار و عملکرد توأم با کارایی نیست.

تعیین عوامل مؤثر بر ساختار صنعت بانکداری از این جهت اهمیت دارد که کارایی سیاستهای مقررات زدایی، خصوصی سازی و ... مستلزم وجود شرایط رقابتی و چه بسا مقررات تسهیل کننده رقابت است که بدون وجود شرایط رقابت در بازارهای مالی، تدوین این سیاستهای مبتنی بر به کارگیری بازار، نمی تواند همراه با موفقیت باشد. بنابراین بررسی و تعیین عوامل اثرگذار بر ساختار صنعت بانکداری با هدف بهبود رقابت در این صنعت یک ضرورت به حساب می آید. زیرا در صورتی می توان در ساختار بازار بانکی تغییر ایجاد کرد که از عوامل مؤثر بر آن آگاهی داشته باشیم.

هدف این تحقیق بررسی اثر عوامل نهادی (شاخص حقوق مالکیت، شاخص حکمرانی، شاخص آزادی اقتصادی، GDP سرانه و ...) و متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ تورم، نرخ رشد GDP واقعی) روی ساختار صنعت بانکداری در ایران و تعدادی از کشورهای پیشرو در حوزه ی چشم انداز ایران می باشد. از آنجایی که انتظار می رود متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی بر کارایی و کارایی بر ساختار صنعت بانکداری اثرگذار باشد بنابراین اثر این عوامل روی کارایی و اثر کارایی روی ساختار صنعت با هدف مشخص کردن اثر غیرمستقیم عوامل نهادی و کلان اقتصادی بر ساختار نیز سنجیده می شود. در این پژوهش جهت قوت بخشیدن به نتایج اثر متغیرهای دیگری مانند مشخصه های بانک (نسبت کل وام ها به دارایی ها و لگاریتم دارایی های کل (اندازه بانک)) نیز بررسی می شود.

۱-۳-۱- فرضیه و سؤال تحقیق:

۱-۳-۱- سؤالات تحقیق

- ۱- متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی اثر گذار بر ساختار صنعت بانکداری کشورهای مورد بررسی، کدامند؟
- ۲- آیا کارایی، ساختار بازار بانکی را تحت تأثیر قرار می دهد؟
- ۳- تأثیرمستقیم و غیرمستقیم متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی ساختار صنعت بانک چگونه است؟

۱-۳-۲- فرضیه های تحقیق:

- ۱- متغیر نهادی حمایت از حقوق مالکیت، تأثیر مثبت بر رقابت پذیری ساختار بازار بانکی دارد.

- ۲- رشد تولید ناخالص داخلی از عوامل کلان اقتصادی تأثیر مثبت و معنی داری بر ساختار بازار بانکی دارد.
- ۳- اثر کارایی بر ساختار بازار بانکی، مثبت و معنی دار است.
- ۴- اثر مستقیم متغیرهای نهادی و کلان اقتصادی روی ساختار صنعت بانکداری بیشتر از اثر غیر مستقیم آنها است.

۱-۳- اهداف تحقیق:

- ۱- تعیین عوامل مؤثر بر ساختار بازار بانکی در هر کدام از کشورهای مورد بررسی.
- ۲- مقایسه اثر مستقیم و غیر مستقیم عوامل نهادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر ساختار بازار.

۱-۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای برآورد کارایی از روش ناپارامتری تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) و برای بررسی ساختار بازار از دو شاخص نسبت تمرکز و هرفیندال-هیرشمن استفاده شده است. جهت محاسبه شاخص های مطرح شده، و همچنین تخمین مدل دو نرم افزار EMS و Eviews به کار گرفته می‌شود.

۱-۶- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

اطلاعات آماری از طریق سایتهای WDI، پایگاه اطلاعاتی Bankscope، هریتیج و بانک اطلاعات بانک مرکزی جمع آوری خواهد شد.

۱-۷- نمونه آماری:

نمونه آماری شامل ایران و کشورهای پیشرو در حوزه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران می باشد، و مطالعه بر روی داده های مربوط به سالهای ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۹ صورت خواهد گرفت.

۱-۸- محدودیتهای تحقیق:

در تحقیق حاضر علی رغم اینکه سعی شده است تا حد امکان تمام شرایط را از لحاظ جامع بودن داشته باشد اما در عین حال از بعد موضوعی دارای محدودیتهایی است که غیر قابل اجتناب می باشد. در این پژوهش به علت نبود اطلاعات مربوط به برخی متغیرهای اقتصاد سیاسی مانند مقررات و قوانین در حوزه ی بانکداری ایران اثر

این متغیرها نادیده گرفته شده است در حالی که شواهد حاکی از آن است که این متغیرها بر ساختار بازار بانکی اثرگذار می باشند. به طور کلی محدودیت آمار و اطلاعات از محدودیت های اساسی این پژوهش است.

۱-۹- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح:

شاخص حکمرانی: حکمرانی خوب به معنی فرصتی برای امنیت اقتصادی، بهبود محیط کسب و کار و جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی از طریق شش شاخص کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حق اظهارنظر و پاسخگویی توسط نهادهای دولتی بررسی می شود. بانک جهانی این بررسی را هر ساله انجام می دهد و نمره هر یک از این شاخص ها را از منهای ۲ تا به اضافه ۲ در نظر می گیرد.

حقوق مالکیت: این عامل میزان حمایت از حقوق مالکیت خصوصی توسط یک کشور و نیز میزان پابندی دولت به این قوانین و اجرای آنها را نشان می دهد. در ضمن این عامل میزان احتمال سلب مالکیت داراییهای خصوصی (مصادره اموال)، میزان استقلال قوه قضائیه، وجود فساد در سیستم دادگاهی (قضایی) و میزان توانایی افراد و شرکتها برای ایجاد اجبار در انجام قراردادها را ارزیابی می نماید. هر چه میزان حمایت های قانونی از حقوق مالکیت در یک کشور کمتر باشد و یا اینکه هر چه احتمال مصادره داراییها توسط دولت بیشتر شود، رتبه آن کشور کمتر خواهد بود.

شاخص آزادی مالی: مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی مؤسسات مالی در تعیین نحوه ی تأمین اعتبار از عوامل مؤثر بر تعیین امتیاز برای این شاخص است. در گزارش مربوط به این شاخص به کنترل و دخالت های دولت در مدیریت بانکهای خصوصی برای تعیین نرخ سود اشاره گردیده و دخالت های دولت در این بخش را از عوامل کاهش این امتیاز دانسته است.

شاخص آزادی اقتصادی: منظور از آزادی اقتصادی، عدم وجود اجبار و الزام های دولتی و یا عدم وجود محدودیت سخت دولتی بیش از حد نیاز بر تولید، توزیع و یا مصرف کالا و خدمات است. اجزاء اصلی آزادی اقتصادی شامل انتخاب افراد، مبادلات داوطلبانه، آزادی برای رقابت و محافظت از افراد و دارایی ها است.

کارایی (Efficiency): میزان تحقق ستاده های بانکها نسبت به نهاده های به کار گرفته شده را کارایی بانک تعریف می کنیم. این اندازه را به طور کلی به صورت زیر نشان می دهیم:

ساختار بازار: «رقابت» و «انحصار» هر دو از جمله مفاهیمی هستند که تبیین کننده ساختار بازار می باشند. در حقیقت می توان گفت هر بازار دارای ساختارهای متفاوت است که نوع آن بر حسب شدت رقابت قابل تعیین است.

فصل دوم

مروری بر ادبیات نظری

۲-۱- مقدمه

«رقابت» و «انحصار» هر دو از جمله مفاهیمی هستند که تبیین کننده ساختار بازار می‌باشند. این دو مفهوم در نگاه اول ممکن است متضاد قلمداد شوند، اما در عمل چنین نیست. در حقیقت می‌توان گفت هر بازار دارای ساختارهای متفاوت است که نوع آن بر حسب شدت رقابت قابل تعیین است. به دیگر سخن می‌توان گفت انحصار نام دیگری برای «ناقص‌ترین رقابت» می‌باشد (شفیعی، ۱۳۸۸). عنصر رقابت در تعریف بازار اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. کارگزاران اقتصادی به علت رقابت بر سر سود بیشتر تولید می‌کنند و مصرف‌کنندگان نیز براساس رقابت بر سر دستیابی به مطلوبیت بیشتر به مصرف مبادرت می‌ورزند. گرچه رقابت از دیرباز بین اقتصاددانان مطرح بوده، آدام اسمیت نخستین کسی است که این مفهوم را به صورت دقیق مطرح کرده است.

۲-۲- رقابت

رقابت، مبارزه برای دستیابی به امکانات اقتصادی بیشتر و سعی در پیشی گرفتن بر دیگران می‌باشد. روشن است که زیربنای رقابت به این معنا، اصالت دادن به تعقیب منافع شخصی به وسیله هر فرد است که شعار اصلی اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بود؛ بنابراین معنای رقابت در نظام سرمایه داری هم چشمی برای دستیابی بیشتر به مواهب اقتصادی در مقایسه با دیگران است. گرچه اصطلاح رقابت بیشتر اوقات به صورت «رقابت کامل» که الگوی مطلوب است به کار برده می‌شود، عنصر یادشده در تمام بازارها وجود دارد و رقابت به مفهومی که ذکر شد، در بازارهای غیررقابتی تجلی بیشتری می‌یابد. برخی از اقتصاددانان می‌گویند هر چه رقابت شدیدتر باشد، کارگزاران اقتصادی کمتر به همدیگر به چشم رقیب می‌نگرند؛ زیرا در این صورت قدرت تأثیر آنها بر یکدیگر کمتر می‌شود. در این صورت هیچ یک از آنها احساس نمی‌کند که از سوی دیگران تحت فشار است. در صورتی که در بازاری که رقابت اندک است و تولیدکنندگان زیاد نیستند هر یک خود را در فشار سختی می‌بینند؛ اما بسیاری از اقتصاددانان این را نمی‌پذیرند. آنها بر این باورند که افزایش تعداد رقیبان به افزایش رقابت می‌انجامد.

با این توضیح، به نظر می‌رسد که نباید در مورد تفسیر آن اختلافی وجود داشته باشد؛ اما با مراجعه به متون اقتصادی، شاهد تفاسیر گوناگون از رقابت هستیم که از زمان نخستین اقتصاددانان کلاسیک تاکنون پدیدار شده است. این دیدگاهها به اختصار ذکر می‌شوند.